

گفتگو با استاد آواز ایران



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مکتب‌های آوازی ایران در طی سال‌های گذشته همواره از موضوعات مورد بحث استادان فن و به‌خصوص قدما با دیدگاهها و سلیقه‌های متفاوت بوده است. یادداشت حاضر حاصل نشست است با استاد محمدرضا شجریان درباره کتاب «راز مانا» و دیدگاههای ایشان پیرامون موقعیت و ساختار موسیقی ایران.

کتاب ماه: اگر ممکن است در مورد کتاب راز مانا و برنامه‌هایی که در آینده در خصوص ارتباط با جامعه دارید توضیحاتی بفرمایید.

شجریان: در سال ۱۳۷۵، با پیشنهاد جناب گودرزی در مورد ارائه یک نشریه هنری که بتواند نظرات هنردوستان و هنرمندان جامعه را ارائه کند، قرار شد در یک پرسش و پاسخ دو جلسه‌ای که تقریباً ۱۴ جلسه نیز طول کشید، آنچه را که تجربه چندساله اجتماعی و هنری‌ام بود در قالب این پرسش‌ها عرض کنم و سوالات خوبی در این گفت و گوها مطرح شد و به همین دلیل بحث پیش از یک دو جلسه موردنظر ادامه پیدا کرد. حاصل این جلسات مجموعه‌ای است که اینک با نام راز مانا منتشر شده است.

کتاب‌ماه: با عنایت به موقعیت موسیقی و آواز ایرانی و در ارتباط با پدیده‌هایی چون فیلم، تئاتر، سینما، دریافت آواز ایرانی عشق و شور خاصی را می‌طلبند. از طرفی با توجه به هجوم ارتباطات بین‌المللی و نوع موسیقی موجود در داخل و خارج از کشور ناشی از این ارتباطات، احساس می‌شود تغییراتی در ارائه موسیقی ایرانی لازم است. لطفاً توضیح بفرمایید در مورد این پدیده چه نظری دارید و اصولاً تغییر روش در ارائه موسیقی لازم است یا خیر؟

شجریان: موسیقی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر روی انسان‌ها، موجودات و حتی گیاهان دارد. موسیقی هر سرزمینی برخاسته از نهاد خاک و سرورش مردمی است و در طی گذر زمان، با انسان‌ها و خاک و خون آمیخته

می‌شود و هر دوره‌ای نیز خود را با شرایط آن دوره وفق داده و با افت و خیزهای تاریخ ما، دگرگون می‌شود. این موسیقی همیشه با امواج زندگی همراه بوده و بالا و پایین شده است. در این پنجاه، شصت ساله اخیر که رسانه‌ها از جمله رادیو و تلویزیون نفوذ بسیاری در میان جوامع پیدا کرده است، بیش از هر چیز موسیقی مورد توجه قرار گرفته و می‌گیرد.

در کشور ما، موسیقی به لحاظ وجود محدودیت‌هایی، از رشد قابل توجهی برخوردار نبوده و همیشه نیز در حفاظ و انزوا ارائه شده است. بعدها هم به شکل تعزیه و روضه و مداحی در بین مردم معمول شده است. چنان که بخشی از موسیقی که همراه با ساز بوده است، میان اقلیت‌های مذهبی مانند یهودیان و



برای رسیدن به مراحل بالاتر، ده درصد کار بر عهده معلم است و این خود دانشجو است که باید همت کند و در جامعه رشد نماید.

همراه با تکنولوژی در جهان امروز، اگر موسیقی بخواهد اصالت آب و خاک و اصالت فرهنگی و زبان خود را حفظ کند در هیچ نقطه‌ای از جهان با آن سرعت نمی‌تواند به حرکت خود ادامه دهد. در هر نقطه این کره خاکی و در میان هر ملتی موسیقی را دنبال کنید، متوجه می‌شوید که بیش از همه همین نوع موسیقی پاپ و موسیقی‌های نظیر آن ارائه می‌شود. موسیقی کلاسیک شتونده زیادی ندارد، چرا که جوانان پرنانرژی و پرتحرکند و آن نوع موسیقی را می‌خواهند که به آنها تحرک دهد. اما باید یادآور شد که موسیقی پاپ، موسیقی زبان ما نیست، هرزبانی با موسیقی خود در طول تاریخ به صورت پیچ و مهره با هم تراش خورده و جلو آمده‌اند. موسیقی و آواز فعلی ما، موسیقی زبان حافظ، سعدی و مولاناست.

برای شعر نو باید چاره‌ای اندیشید. ارائه کلمات در قالب شعری که وزن ندارد و به دور از عادت‌های خوانندگان و شنوندگان است، امر ساده‌ای نیست و نیاز به کار و تلاش دارد. سال‌ها به این موضوع توجه داشته‌ام و دارم و سعی نموده‌ام آواز را با شعر نو همراه کنم. برنامه‌هایی نیز ارائه شده است و در آینده نیز برنامه‌هایی با شعر نو اجرا خواهیم کرد.

کتاب‌ماه: اصولاً در موسیقی اصیل ایرانی، نوعی دسته‌بندی ذهنی مانند تبریز، اصفهان یا تهران راجع به مکتب‌های آوازی ایران دیده می‌شود، اما چنین

زرتشتیان و اقلیت‌های دیگر مرسوم بوده و سینه به سینه منتقل شده است. از طرفی هجوم موسیقی‌های غربی از طریق رادیو، صفحه، نوار، سینما در ایران هم تأثیر خود را گذاشته است. البته ما منکر آن موسیقی نیستیم، موسیقی خوب از هر جا که باشد پسندیده است، اما باید به این نکته توجه داشت که موسیقی همراه با نیازهای جغرافیایی مردم و با فرهنگ مردم متحول می‌شود و با آن حرکت می‌کند. به طور مثال موسیقی نواحی خشک با موسیقی نواحی حاشیه‌مدیرانه به دلیل شرایط فرهنگی و دیدگاه مردم متفاوت است. در گذشته جنبه آوازی موسیقی ما بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت و تقویت می‌شد و تک‌نوازی و گروه‌نوازی کمتر بوده است. بعدها گروه‌نوازی به صورت یک صدایی در رادیو ارائه گردید و پس از آنکه از طریق کلنل وزیر، دانش موسیقی غربی به ایران آمد و شاگردانی تربیت شدند موسیقی به صورت چندصدایی باب شد. اکنون نیز موسیقی چندصدایی در جامعه وجود دارد. آواز نیز در هر دوره‌ای همراه با تک‌ستاره‌هایی اظهار وجود کرده و خود را در جامعه نشان داده است.

در تاریخ صدالی صد و پنجاه سال اخیر مجموعه خوانندگانی که از عهده آواز خوب برآمده‌اند به پانزده نفر هم نمی‌رسد یعنی هر بیست سال ۲ یا ۳ نفر به عنوان خواننده خوب اظهار وجود کرده‌اند. در سال‌های اخیر نیز به دلیل بسته بودن کلاس‌های موسیقی، به رشته آواز توجه کمتری شده است و در نتیجه چندسالی عقب هستیم. امیدواریم دانشجویان رشته آواز تلاش بیشتری داشته باشند و دلسوزی بیشتری نشان بدهند. چرا که

مرزبندی در خارج وجود ندارد. شجریان: درباره مکتب‌های آوازی نظرات متفاوتی ارائه شده، اما به عقیده من نمی‌تواند صحیح باشد. اصولاً مکتب‌های آوازی مطرح در جامعه ما، در پایتخت متمرکز بوده است، در جایی که به هنر توجه می‌شده و رفاه نسبی زمینه و رشد هنر را فراهم می‌کرده است. به طور مثال در شیراز، اصفهان، خراسان و ساوه و اراک (اطراف تهران) با تحقیقاتی که در رشته آوازی داشته‌ام، تبریز مکتب خاصی نداشته و تنها به لحاظ افرادی چون اقبال‌السلطان که جهان پهلوان آواز بوده است، عنوان مکتب تبریز گرفته است. در حالی که اقبال‌السلطان (اقبال آذر) قزوینی است که بعدها به دربار ولیعهد نشین تبریز رفته است. در واقع مکتب آوازی که اقبال‌السلطان دنبال کرده، همان مکتب سیداحمدخان ساوه‌ای می‌باشد البته با تکنیک فراتر. یعنی با وسعت صدا و تکنیک خود این مکتب را بهتر عرضه کرده‌اند. در زمان صفویه هم شیراز و اصفهان از نقاط مورد نظر هنرمندان بوده و تأثیر این دو، مکتب اصفهان را پدید آورد. از مکتب خراسان هم چیزی باقی نمانده است، چرا که خراسان مدت‌ها به عنوان پایتخت مطرح نبوده است. از طرفی به دلیل ترکیب شدن این مکتب‌ها، نمی‌توانیم مکتبی را کاملاً خالص دانسته و مثلاً بگوییم این مکتب اصفهان است. تبریز هم که مکتبی به آن صورت نداشته و هرچه بوده است مربوط به حوزه مرکزی ایران از شیراز و اصفهان گرفته تا اراک و ساوه و قزوین بوده که بیشترین استادان آوازی و استادان موسیقی در قسمت رشته‌های ساز مربوط به این نقاط هستند. آذربایجان را

هم به علت ارتباط با لهجه آذری و موسیقی ترک نمی توان به حساب مکتب های موسیقی گذاشت. کتاب ماه: در برخی از مصاحبه ها، در مورد صدای خوانندگان جوان، اظهار نظرهایی نزدیک به این مضمون کرده اید که تقریباً به این صداها گوش نمی دهید.

شجریان: به خاطر ندارم چنین مطلبی را با این لحن گفته باشم، شاید هم نویسنده چنین استنباطی کرده باشد. متأسفانه خوانندگان امروزه نمی توانند کاری درخور ارائه دهند، کاری که بتوان از آن لذت برد. به همین دلیل چون نمی توانم بهره ای ببرم به ناچار کمتر گوش می کنم. اصولاً در هر رشته ای حتی بین اهل قلم نیز همین امر صادق است. به هر حال این امر، سلیقه ای است.

کتاب ماه: در مورد حزن و اندوه در موسیقی ایرانی دیدگاههایی وجود دارد، به طور مثال وقتی آواز دشتی خوانده می شود، از نظر عده ای آوازی محزون است و بعضی نیز معتقدند این آواز زاینده تفکر است.

شجریان: به طور کلی موسیقی باید جوابگوی همه نیازهای عاطفی و روحی شونده باشد موسیقی چون برخاسته از آب و خاک و تاریخ است و به همراه تاریخ نیز دچار تحولات می شود. حزن موسیقی و در واقع موسیقی محزون می تواند به دلیل شکست ها و مشکلات مردم باشد؛ یعنی به هنگام اندوه، تمایلی به شنیدن موسیقی شاد ندارید و به آن نوع موسیقی گوش فرامی دهید که با آن گریه کنید و به آرامشی دست یابید. به قول یکی از هنرمندان «موسیقی زبان اعتراض است». در واقع بیشترین بخش موسیقی، اعتراض است و حتی شعر ما نیز شعر اعتراض است. اعتراض به معشوق، اعتراض به روزگار و به بدشانسی خود. کمتر دیده می شود شاعری مدح بگوید، چرا که شاعران نیز یا مردم خود هستند و در واقع سعی می کنند زبان حال مردم خود باشند. موسیقی ما اگر محزون است، ناشی از حرکت های اجتماعی، سیاسی، حکومت ها، آلام روحی و شکست هاست. هم اکنون ما با مشکل کم آبی رو به رو هستیم. بنابراین در نقاطی که با مشکل آب مواجه شده اند، موسیقی نیز با همان حالات آنها حرکت می کند، پس موسیقی با شرایط جغرافیایی و وضعیت حاکم بر آن ارتباطی تنگاتنگ دارد. موسیقی محزون ما بیشتر است چون هنرمند خود از بطن همین جامعه بیرون آمده است، از جامعه گرفته و همان را نیز پس می دهد، یعنی هنرمند با جامعه خود حرکت می کند. بیشترین بخش موسیقی ما، موسیقی تفکر و اندیشه است. انسان در هنگام اندیشیدن و تفکر، حالت غم دارد، اما غمناک نیست، بلکه در حال فکر کردن است. به دنبال آن نوع موسیقی هستیم که با آن بیاندیشیم. دلم می خواهد شنونده من، یا موسیقی من فکر کند و تنها از تحریر (چهچه) من لذت نبرد. وقتی آوازی می خوانم، تحریرها، جایگاه خاصی برای خود ندارند، چرا که همراه شعر حرکت می کنند و هیچ زمانی تظاهر به تحریر در کار ما دیده نمی شود و بنده آن را رد می کنم. چرا که تحریر به عنوان بخشی از موسیقی می بایست جایگاه داشته باشد.



شهرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب ماه: در خصوص موسیقی پاپ و شکل گیری آن در کشور ما چه نظری دارید؟ شجریان: اگر منظور آن نوع موسیقی پاپ است که امروزه در کشور ما تولید و در جامعه حاکم شده است بنده به آن به طور مطلق گوش نمی دهم. اما به موسیقی پاپ به زبان اروپایی گوش می دهم چون این موسیقی با آن زبان نزدیکی و سنخیت بیشتری دارد. ولی همان طور که گفتم دوست دارم به موسیقی ای گوش دهم که مرا به فکر اندازد و به من آرامش دهد.

کتاب ماه: مکتب اصفهان را چگونه دیده اید و چه نظری در ارتباط با حضور این مکتب در آواز ایرانی دارید؟

شجریان: همان طور که گفتم تخصص من بیشتر در رشته آواز است. مکتب اصفهان بیشتر به ریزه کاری های آواز، جمله بندی و ادوات تحریر توجه دارد. خوانندگان بزرگی نیز از اصفهان به جامعه معرفی شده اند از جمله سیدرحیم اصفهانی که استاد سیدحسین طاهرزاده و استاد تاج اصفهانی بوده اند. در این مکتب همان گونه که توجهی به شعر و نکات ظریف در صحبت دارند، در

موسیقی نیز توجهی خاص به ملودی ها می کنند و سوال و جواب ها و قرینه هایی که رعایت می کنند و جملاتی که در پیامد هم با سلیقه انتخاب می کنند همگی خاص موسیقی آواز و موسیقی اصفهان است.

کتاب ماه: چرا نام کتاب «راز مانا» گذاشته شده؟ و آیا رازی هم فاش می شود؟

شجریان: نامگذاری کتاب به تشخیص دوستان مصاحبه کننده بوده است. اسامی متعددی برای این کتاب پیشنهاد شده بود که دوستان عنوان «راز مانا» را پسندیدند. من هم از بین اسامی پیشنهادی این عنوان را پسندیدم. به تعبیر دوستان این عنوان به راز ماندگاری و جاودانگی و راز جاودانه یعنی چیزی که برای ابد، راز خواهد ماند، اشاره دارد. این ابهام برای من جالب بود.

کتاب ماه: سؤالی مطرح می شود و آن اینکه، ماندگارترین و پرشکوه ترین آثاری که لحظه لحظه آن نشان پختگی و معنویت است، مربوط به زمانی می شود که بزرگانی چون استادان پایور، شهناز، لطفی و مشکاتیان و علیزاده و... همراه با استاد به سیر دشت هنر پرداختند و اکثر علاقمندان استاد نیز با این آثار آشنا شده اند. چرا در سال های اخیر، میزان این همکاری ها کم شده است.

شجریان: اصولاً عوامل متعددی در این همکاری ها مؤثر است و گاهی هم اختلاف سلیقه و دیدگاه پیدا می شود. من توجهی خاص به جوانان و هنرجویان رشته موسیقی دارم. دوست دارم به خصوص کسانی را که استعداد خاصی دارند و می توانند آینده خوبی داشته باشند، تشویق کنم تا خود قدم های بعدی را بردارند. برای استادان که نمی شود انگیزه ایجاد نمود چرا که استاد هستند و همه هم سازهای آنها را می شناسند. در مجموع من با موزیسینی کار می کنم که او را دوست داشته باشم، وگرنه نمی توانم با او بخوانم. یعنی باید یک رابطه عاطفی و درونی بین من و او باشد تا آوازی بهتر ارائه شود.

کتاب ماه: لطفاً در مورد اثر بوی باران هم توضیحاتی بفرمایید.

شجریان: آهنگ متعلق به آقای حسین یوسف زمانی است که بسیار خوب تنظیم شد و ارکستر هم بسیار خوب اجرا کرد. برای آواز این برنامه شعری از آقای فریدون مشیری انتخاب کردم (پرواز با خورشید) که می توانست با بوی باران همراه باشد. از طرفی نمی خواستم ساز سنتی ایران باشد و تاکیدم بر روی ویلون یا پیانو بود. یکی دو سال قبل ساز خانم حریر شریعت زاده را شنیده بودم، که بسیار شبیه مرتضی خان محجوبی ساز می زند و در واقع پیام مرتضی خان که در شیوه نوازندگی وی امروزه در میان جوانان خبری نیست در سرانگشتان این دختر جوان دیده می شود. بسیار علاقمند بودم که جامعه این ساز را بشنود و خود ایشان نیز انگیزه بیشتری برای ادامه کار داشته باشد. به هر حال دو سال قبل که این نوار را شنیدم که سالار عقیلی به شیوه بنان آواز خوانده و خانم شریعت زاده نیز به شیوه محجوبی ساز زده بود، اشک شوق در من پیدا شد. فکر کردم شعر «پرواز با خورشید» را نمی توان به شکل

موسیقی دستگاهی ایران

ردیف میرزا عبدالله

■ موسیقی دستگاهی ایران ردیف میرزا عبدالله به روایت

نورعلی خان برومند

■ تنظیم و نت‌نویسی برای سنتور: دکتر احمد بهجت

■ مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور، ۱۳۷۹



اتفاق نظر دیده نمی‌شود و کمتر قاعده و قانون تثبیت شده‌ای وجود دارد و در واقع نت آسان‌ترین وسیله جهت ثبت و یادآوری و انتقال آموخته‌هاست.

وی اظهار می‌دارد منبع اصلی در نت‌نویسی و تنظیم ردیف حاضر، اجرای استاد برومند بوده است. به ندرت جمله‌ها یا مضرب‌هایی به اقتضای تکنیک و امکانات ساز تغییر داده شده و در مواردی نادر، جمله‌هایی به خاطر کوک سنتور و عدم امکان اجرا حذف شده است. و به خاطر جلوگیری از افزایش تنوع کوک سنتور و سهولت اجرا، بیات اصفهان به کوک همایون و ماهور به کوک راست پنجگاه منتقل شده و بقیه دستگاه‌ها و آوازها در همان مایه‌های اجرا شده تنظیم شده است.

وی در نت‌نویسی و تنظیم، جنبه کاربردی و آموزشی ردیف را مدنظر قرار داده و از دشوارنویسی و کاربرد تزئینات غیر ضرور اجتناب کرده و بیشتر از مضرب‌های رایج و جاقفاده سنتور استفاده کرده است و به اقتضای مطلب، هنرجویان را با واژه‌ها و مضرب‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. در پایان نیز واژه‌ها و کشش‌هایی را که احتمال ابهام در آنها می‌رفت، همراه با نحوه اجرای آنها به صورت واژه‌نامه تنظیم نموده است.

کتاب در قطع رحلی، با قیمت ۳۵۰۰۰ ریال و شمارگان ۳۳۰۰ جلد منتشر شده است.

موسیقی در بسیاری از اوقات، آن چیزی نیست که ما معرفی می‌کنیم و کاری را که ما از آن انتظار داریم انجام نمی‌دهد، چرا که غیر غم تصورات ما، ماهیت خاص خود را دارد، که البته این به معنای انکار خلاقیت آهنگساز نیست. گفته می‌شود مهمترین کار مفسرین موسیقی، تبیین چیزهایی است که بخشی از آنها حتی به ذهن آهنگساز نیز خطور نمی‌کند.

موسیقی دریایی است بی‌انتها و هرکس به اندازه ظرف خود برداشت می‌کند و هر ملتی در پرتو فرهنگ خود به زوایایی ناچیز از آن دست می‌یابد. و با این دیدگاه، ردیف موسیقی ایرانی سهم برداشت ملت ایران از جهان موسیقی در طول تاریخ است.

نورعلی خان برومند یکی از شیفتگان ردیف میرزا عبدالله، آموخته‌های خود را به صورت ردیفی منسجم تنظیم کرد که در حال حاضر از معتبرترین روایات موجود از ردیف میرزا عبدالله می‌باشد.

مرحوم بهجت انسجام و ظرافت ردیف مذکور را عاملی جهت نت‌نویسی و تنظیم آن برای سنتور دانسته و سعی کرده است شیوه نت‌نویسی و تنظیم آن چنان باشد که علاوه بر اصالت و ظرافت منبع اصلی، از امکانات و تکنیک سنتور نیز به نحو شایسته استفاده شود. وی همچنین به کم کاری تأسف بار در زمینه نت‌نویسی و تنظیم موسیقی ایرانی - به خصوص ردیف - اشاره می‌کند. وی بر این اعتقاد است که در کارهای انجام شده نیز از نظر شیوه نت‌نویسی ردیف

آوازهای دیگر و با سازی هم که من می‌خواهم ارائه کرد. از طرفی با توجه به سن کم و جوانی و عدم تجربه لازم خانم شریعت‌زاده کار مشکلی در پیش بود. آواز را در منزل خواندم و از ایشان خواستم گوش کند و مطابق با آن ساز بزند. سپس در استودیو اجرا شد. آوازی را که من خوانده بودم کوک خاصی بود و با پیانوی منزل هماهنگ بود. به دلیل عدم هماهنگی با پیانوی موجود در استودیو، مجبور شدیم این نوار را پخش کنیم. پیانویی که کوک فرنگی در استودیو دارد و می‌خواهد چهارگاه بزند؛ چهارگاهی که من در آن «جامه‌دران» و «مویه» را خوانده‌ام. برای هر یک از گوشه‌هایی که خواندم، حدود دو سه ساعت در استودیو پیانو را کوک می‌کردیم تا ایشان دوباره بزنند. به هر حال در طی دو شبانه‌روز کار به این شکل ضبط شد. بنابراین آوازی نیست که در استودیو خوانده باشم و ایشان هم زده باشد. لحظاتی که در بداهه خوانی و بداهه نوازی اتفاق می‌افتد، لحظات خاصی است، اما موقعی که در استودیو می‌خواهد به این شکل اجرا شود و بخواهیم همیشه این کوک درست باشد، دیگر حال و هوایی برای نوازنده باقی نمی‌ماند که با احساس خود بتواند ساز بزند و صرفاً با آندوخته‌های خود ساز می‌زند.

کتاب‌ماه: با عنایت به نگاه و توجه شما به جوانان، بفرمایید صدای شما روی چه سینی تأثیر بیشتری دارد؟ و در واقع در صدای شما، یک جوان چه چیزی را جستجو می‌کند که هر روز احساس طلب بیشتری می‌نماید؟

شجریان: در واقع این رابطه‌ای است که بین یک صدا و یک نهاد یا یک گوهر ایجاد می‌شود. من در کارم همیشه سعی کرده‌ام صداقت لازم را داشته باشم. شبی در منزل یکی از دوستان بودیم، یک میهمان کره‌ای ۵۰ تا ۶۰ ساله نیز در مجلس حضور داشت، استاد روان شاد بیکجخانه‌ای نیز حضور داشتند و سازی نیز نواختند و بنده آوازی خواندم. خواستم از دوست کره‌ای پرسیده شود که از این موسیقی چه چیزی دریافت کرده و آیا خوشش آمده است؟ و اینکه از آواز من چه فهمیده است؟ وی در جواب گفت از آواز چیزی متوجه نشدم، اما خیلی خوب بود و لذت بردم و فکر کردم که می‌توانم به این صدا اعتماد کنم. و این بهترین جوابی بود که شنیدم. پس مهم این است که شنونده به صدا اعتماد داشته باشد.

کتاب‌ماه: استاد امسال چه برنامه‌هایی دارید؟ شجریان: چندین نوار آماده دارم که البته هنوز کامل نشده و می‌بایست در استودیو اجرا شود. ولی موسیقی آن اجرا شده است و حدود چهار پنج ساعت برنامه است. در پایان از مهریانی‌های تمامی دوستان که در چاپ این کتاب همت گماشته‌اند متشکرم.

کتاب‌ماه: چند نکته پیشنهادی داریم. یکی اینکه فصل دیدگاه‌ها پس از فصل زندگی قرار گیرد. دیگر اینکه جای خالی فهرست اعلام و نمایه در کتاب دیده می‌شود که امیدواریم در چاپ‌های بعدی کتاب در نظر گرفته شود.

شجریان: نکات خوبی است. امیدواریم در چاپ‌های بعدی این موارد را رعایت کنیم.